

تحلیل پیامدهای چندسطحی کنش‌های اجتماعی در قرآن

سید محسن میرسندسی^۱

چکیده:

تحلیل پیامدهای کنش‌های اجتماعی در رویکردهای رایج علوم اجتماعی، عمدتاً به سطوح خرد و میانه و پیامدهای مادی و آنی محدود مانده و از تبیین پیامدهای معنوی، اخروی و تمدنی کنش‌ها ناتوان است. پژوهش حاضر با هدف صورت‌بندی نظام پیامدهای کنش اجتماعی در قرآن و ارائه چارچوبی تحلیلی برای فهم پدیده‌های اجتماعی و معنوی معاصر، از روش تحلیل مفهومی و نظری-تفسیری بهره گرفته است. بدین منظور، آیات قرآن کریم با تأکید بر تفاسیر المیزان و تسنیم بررسی و مفاهیم کلیدی مرتبط با کنش و پیامد در سه سطح خرد، میانه و کلان و نیز افق اخروی استخراج و با مفاهیم و نظریه‌های جامعه‌شناسی در قالب منطق گفت‌وگوی معرفت‌شناختی تطبیق داده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد قرآن افزون بر پیامدهای فردی (ایمان و عمل صالح، حیات طیبه، آرامش روانی)، پیامدهای میانه (انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی ایمانی، نهادهای عادلانه) و پیامدهای کلان (سنت‌های الهی، عدالت تمدنی، سرنوشت جوامع) را با افق دنیوی و اخروی پیوند می‌زند و از رستاخیز و داوری جمعی امت‌ها سخن می‌گوید. مدل تحلیلی چندسطحی ارائه‌شده، پیامدها را در زنجیره‌ای از خرد تا کلان و افق عمودی اخروی با بازخوردهای متقابل ترسیم می‌کند و ظرفیت قرآن را برای نظریه‌پردازی اجتماعی مبتنی بر سنت و حیانی آشکار می‌سازد.

واژگان کلیدی:

کنش اجتماعی، پیامدهای چندسطحی، قرآن، جامعه‌شناسی، سنت‌های الهی، معادشناسی جمعی.

^۱ - استادیار گروه قرآن و مطالعات، پژوهشکده اسلام تمدنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مشهد، ایران m.sondosi@isca.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله:

کنش انسانی و پیامدهای آن، محور اصلی علوم انسانی و اجتماعی (Human and Social Sciences) بوده و همواره کانون توجه نظریه پردازان و پژوهشگران است. در جامعه‌شناسی، پیامدهای کنش (Consequences of Action) به آثاری گفته می‌شود که از رفتار انسان در بستر اجتماعی پدید می‌آید، خواه این آثار از پیش در نیت و قصد کنش‌گر بوده باشد و خواه خارج از قصد و آگاهی او رخ دهد. مرتن در تحلیل خود تصریح می‌کند که هر کنش اجتماعی می‌تواند هم پیامدهای ارادی (Intended Consequences) و هم پیامدهای غیرارادی (Unintended Consequences) داشته باشد و بخش مهمی از پویایی اجتماعی دقیقاً از همین پیامدهای پیش‌بینی نشده ناشی می‌شود (Merton, 1936, pp. 894-896). به تعبیر او، کنش‌ها وارد شبکه‌ای از روابط اجتماعی می‌شوند که نتایج آن‌ها لزوماً مطابق با نیت اولیه عاملان نیست. وبر نیز با تأکید بر معنا در کنش اجتماعی نشان می‌دهد که کنش، هرچند با نیت ذهنی آغاز می‌شود، اما در میدان اجتماعی به نتایجی فراتر از قصد فردی منتهی می‌شود، زیرا در تعامل با کنش دیگران و ساختارهای اجتماعی قرار می‌گیرد (Weber, 1978, pp. 4-7). گیدنز این وضعیت را در نظریه ساختاری (Structuration Theory) چنین توضیح می‌دهد که کنش‌ها در حین بازتولید ساختارها، پیامدهایی تولید می‌کنند که خود کنش‌گران از آن‌ها آگاه نیستند و این پیامدها در طول زمان ساختار اجتماعی را دگرگون می‌سازد (Giddens, 1984, pp. 8-14). در این چارچوب، پیامدهای کنش اجتماعی را می‌توان چنین تعریف کرد: مجموعه آثار مستقیم و غیرمستقیم، ارادی و غیرارادی که از کنش معنادار انسان در بستر تعاملات اجتماعی و ساختارهای نهادی پدید می‌آید و در سطوح فردی، جمعی و ساختاری بازتاب می‌یابد.

با این حال، پرسش بنیادین این است که آیا منابع معرفتی جدید، به‌ویژه علوم اجتماعی تجربی، توان تبیین تمامی ابعاد و پیامدهای کنش‌ها را دارند؟ شواهد نشان می‌دهد که رویکردهای رایج، عمدتاً محدود به پیامدهای مادی و آنی کنش‌ها هستند و در تبیین انگیزه‌ها، اثرات معنوی و پیامدهای جمعی و حتی تاریخی با محدودیت مواجه‌اند (Weber, 1978, pp. 22; Berger & Luckmann, 1966, p. 45). در این زمینه، قرآن کریم به‌عنوان یک نظام معنایی جامع و منسجم، کنش‌های انسانی و اجتماعی را در شبکه‌ای پیچیده از علل و پیامدها می‌نگرد و افق پیامدهای آن را نه تنها در جهان حاضر، بلکه در آخرت و توازن فردی و جمعی ترسیم می‌کند (نحل: ۸۹؛ آل عمران: ۱۳۵).

نگاه چندسطحی قرآن به کنش، امکان تحلیل پیامدها در سه سطح خرد (Micro-Level)، میانه (Meso-Level) و کلان (Macro-Level) را فراهم می‌آورد. در سطح خرد، کنش‌ها با توجه به انگیزه‌ها، آگاهی، ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی، رشد فردی و تعالی معنوی انسان را شکل می‌دهند و اثرات مستقیم آن در زندگی

روزمره و سلامت روان مشاهده می‌شود (ایازی، ۱۳۹۶، صص. ۱۰-۱۲; Farhana, 2025, p. 28). در سطح میانه، تعاملات جمعی و نهادی مبتنی بر ارزش‌های قرآنی، اعتماد، همبستگی اجتماعی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کنند و پیامدهای آن در ارتقای امنیت اجتماعی و انسجام گروهی نمود می‌یابد (حمیدی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸، صص. ۱۵۲-۱۵۸; Zain, 2020, pp. 47-52). در سطح کلان، پیامدهای جمعی و تمدنی کنش‌ها، از توسعه فرهنگی و اجتماعی تا پایداری یا فروپاشی نهادها و ظهور یا افول تمدن‌ها، قابل ردیابی است و قرآن این فرآیندها را در چارچوب سنت‌های الهی و عدالت اجتماعی و ارتباط میان دنیا و آخرت تحلیل می‌کند (ناصرمنش، فتح‌علیانی و حسینی، ۱۴۰۱، صص. ۱۳۲-۱۳۸; Al Fozaie, 2023, p. 6).

با وجود مطالعات متعدد در زمینه جامعه‌شناسی دین و علوم اجتماعی با رویکرد اسلامی، پژوهش‌های موجود یا به شناسایی انواع کنش‌ها محدود مانده‌اند (ایازی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰) یا تمرکز بر مفاهیم خاصی مانند سرمایه اجتماعی داشته‌اند (حمیدی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۳). در مقابل، ادبیات جامعه‌شناسی دین در غرب، عمدتاً با پیش‌فرض‌های سکولار به تحلیل دین می‌پردازد و کمتر به نظام علی درونی متون مقدس همچون قرآن کریم و پیامدهای معنوی و غیردنیوی کنش توجه داشته است (Berger & Luckmann, 1966, p. 52; Shahidipak, 2022, p. 154). این خلأ، ضرورت پژوهش حاضر را که قرآن را نه صرفاً به عنوان موضوع مطالعه، بلکه به عنوان منبع تولید نظریه در حوزه کنش اجتماعی می‌شناسد، برجسته می‌سازد.

پرسش اصلی تحقیق چنین است: «نظام پیامدهای کنش اجتماعی در قرآن چگونه صورت‌بندی می‌شود و چه چارچوب تحلیلی برای فهم پدیده‌های اجتماعی و معنوی معاصر ارائه می‌دهد؟» سؤالات فرعی شامل شناسایی مفاهیم کلیدی کنش و پیامد، بررسی مکانیسم‌های تبدیل کنش‌های فردی به پیامدهای جمعی و تحلیل تعامل سطح خرد، میانه و کلان و اتصال آن به افق‌های دنیوی و اخروی است (Farhana, 2025, p. 30; ایازی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵).

ضرورت چنین تحقیقی از دو جهت است. نخست، استخراج مفاهیم و نظریه‌های اجتماعی از متن وحیانی و بررسی پیامدهای آن در زندگی فردی، اجتماعی و تاریخی، امکان فهم عمیق‌تر پویائی‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. دوم، ارائه چارچوب چندسطحی و گسترده پیامدها، زمینه را برای تحلیل پیامدهای عملی کنش‌ها در حیات دنیوی و اخروی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای قرآنی فراهم می‌کند.

روش انجام شده برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های طرح شده، بر پایه تحلیل مفهومی و نظری-تفسیری (Conceptual and Exegetical Analysis) استوار است. در این رویکرد، آیات قرآن به عنوان داده‌های اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرند و هدف، استخراج نظام مفهومی پیامدهای کنش‌های انسانی و اجتماعی در سه

سطح خرد، میانه و کلان است. فرآیند تحقیق شامل شناسایی واژگان و مفاهیم مرتبط با کنش و پیامد، بررسی بافت مفهومی آیات، و تطبیق آنها با مفاهیم و نظریه‌های جامعه‌شناسی برای تحلیل روندهای اجتماعی است.

۱- پیشینه و ادبیات علمی موضوع

بحث نظری و پیشینه علمی درباره کنش اجتماعی و پیامدهای آن از منظر قرآن و علوم اجتماعی در دو ساحت قابل طرح است. نخست، ادبیات جامعه‌شناسی در تحلیل دین و نقش کنش در شکل‌دهی ساختارها و دوم، مبانی درونی و نظام‌مند تعبیر قرآنی از کنش و پیامدهای اجتماعی آن.

در ادبیات جامعه‌شناسی، کنش اجتماعی هسته فهم جامعه و تغییرات اجتماعی است. وبر (Weber, 1978, p. 56) با تأکید بر مفهوم فهم (Verstehen) نشان داد که فهم معنا و انگیزه‌های ذهنی کنش‌گران، شرط لازم برای تبیین پیامدهای اجتماعی است، زیرا کنش‌های انسانی محرک اصلی تغییر اجتماعی محسوب می‌شوند. به همین ترتیب، دورکیم (Durkheim, 1912, p. 31) با بررسی دین به عنوان عامل انسجام اجتماعی نشان داد که باورها و مناسک جمعی، فراتر از تجربه فردی، پیامدهای اجتماعی پایدار و تاریخی ایجاد می‌کنند. پژوهش‌ها نیز این دو پارادایم را توسعه داده‌اند و تأکید دارند که فهم پیامدهای کنش اجتماعی شامل سطوح خرد، میانه و کلان می‌باشد و معانی و انگیزه‌های پشت کنش‌ها را تحلیل کند (Casanova, 1994, p. 21; Stark & Finke, 2000, p. 45).

مطالعات دینی، به ویژه در پژوهش‌های اجتماعی قرآن، تلاش کرده‌اند معنا و پیامدهای اجتماعی کنش‌ها را از متن وحیانی استخراج کنند. ایازی (۱۳۹۶، ص. ۱۲) در تحلیل خود نشان می‌دهد که قرآن، نه فقط به احکام فردی بلکه به پیامدهای اجتماعی و تاریخی کنش‌های انسانی توجه دارد، از جمله عدالت، همبستگی اجتماعی و نظم اجتماعی مشروع. حمیدی‌زاده و دیگران (۱۳۹۸، ص. ۱۵۴) نیز بررسی کرده‌اند که سرمایه اجتماعی در جوامع مسلمان از منظر قرآنی، پیامدهای جمعی و نهادی دارد و می‌تواند در تحلیل تحولات اجتماعی معاصر به کار رود. مطالعاتی مانند اخلاقی و الویری (۱۴۰۰، ص. ۴۹) با توجه به سیر نزول آیات، نشان می‌دهند که قرآن، فرآیندهای تغییر اجتماعی را در بستر تاریخی و نهادی به تصویر می‌کشد. با این حال، اکثر این پژوهش‌ها غالباً جزئی‌نگر بوده و کمتر چارچوبی نظام‌مند برای پیامدهای چندسطحی ارائه داده‌اند.

در متون تفسیری نیز، آثار متقدمان مانند مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲، ص. ۴۴) و تفسیرهای تحلیلی معاصر، تحلیل جامعه را به عنوان یک موجودیت دارای چارچوب علی و هنجاری مستقل نشان می‌دهند. ناصرمنش و همکاران (۱۴۰۱، ص. ۱۳۰) تأکید می‌کنند که پیامدهای کنش اجتماعی در قرآن در سه سطح فردی، نهادی و

تاریخی، و همچنین در دو بعد دنیوی و اخروی، به هم مرتبط و پیوسته هستند. این رویکرد امکان ارائه یک تحلیل منسجم را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های جامعه‌شناسی را با منطق درونی قرآن پیوند می‌دهد.

برخی پژوهش‌های بین‌المللی نیز تلاش کرده‌اند دین را به عنوان نظام معنا و چارچوب هنجاری تحلیل کنند. فارهانا در مطالعه‌ای کیفی خود نشان داده است که قرآن می‌تواند منبعی برای توسعه نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره پیامدهای کنش جمعی باشد (Farhana 2025)، ص. 28. نورالدین و زین نیز تأکید کرده‌اند که بررسی دین در سطوح تحلیلی خرد، میانه و کلان، امکان فهم فرآیندهای جمعی و نهادی را فراهم می‌آورد و پیامدهای اجتماعی را فراتر از سطح منفعت‌محور فردی تحلیل می‌کند (Al Fozaie, 2023, p.9 & Zain, 2020).

با وجود این تلاش‌ها، به نظر می‌رسد نوعی شکاف اصلی همچنان باقی است. ادبیات جامعه‌شناسی غالباً دین را به چشم یک متغیر مستقل یا زمینه‌ای می‌بیند، نه به عنوان یک منبع تولید نظری برای فهم پیامدهای کنش انسانی و اجتماعی. از سوی دیگر، مطالعات دینی و قرآنی عمدتاً در چارچوب‌های فقهی، اخلاقی یا تفسیری باقی مانده‌اند و کمتر با زبان جامعه‌شناسی وارد گفت‌وگو شده‌اند. این نوشتار با تمرکز بر پیامدهای چندسطحی و دو بعدی (دنیوی و اخروی)، تلاش دارد به این خلاء بپردازد و چارچوبی نظری و تحلیلی برای فهم کنش اجتماعی از منظر قرآن ارائه دهد.

در نهایت، پژوهش حاضر با ترکیب مطالعات جامعه‌شناختی دین با تحلیل نظام‌مند آیات قرآنی، سعی می‌کند مفاهیم کلیدی کنش و پیامدهای آن را در یک دستگاه تحلیلی منسجم جای دهد. این رویکرد، امکان تحلیل پیامدهای کنش اجتماعی را در سطوح خرد، میانه و کلان، و در دو افق دنیوی و اخروی فراهم می‌آورد، که در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۲- چارچوب مفهومی و نظری

پیش‌فرض این مقاله این است که پیامدهای کنش‌های انسانی و اجتماعی تنها با استفاده از یک نظریه منفرد قابل فهم نیست، بلکه برای تحلیل فرآیند تبدیل کنش انسانی به پیامدهای اجتماعی در سطوح خرد، میانه و کلان، و همچنین در افق دنیوی و اخروی، نیازمند چارچوبی میان‌رشته‌ای هستیم که عناصر معنا (Meaning)، ساختار (Structure) و فرآیند (Process) را به‌طور هم‌زمان دربر گیرد. این چارچوب شامل سه جزء اصلی (الف) معنا در کنش انسانی، (ب) فرآیند اجتماعی و سطوح پیامدها و (ج) ساختارهای اجتماعی و نهادهای واسطه که در یک رابطه علی و بازخوردی قرار می‌گیرند و هر یک سهمی در توضیح نظام پیامدهای اجتماعی کنش‌ها و تأثیرات دنیوی و اخروی آن‌ها دارند که به آنها می‌پردازیم.

۱-۲- معنا در کنش انسانی و ظرفیت تفسیری قرآن

فهم پیامد کنش‌ها در جامعه‌شناسی از طریق کار وبر آغاز شده است. او تأکید می‌کند که کنش اجتماعی تنها رفتار قابل مشاهده بیرونی نیست، بلکه هر کنش حامل معنا و نیت ذهنی کنش‌گر است: «کنش اجتماعی کنشی است که از دیدگاه بازیگران معنا دارد و نسبت به رفتار دیگران جهت‌یابی می‌شود» (Weber, 1978, p. 4). پیامدهای اجتماعی بدون در نظر گرفتن معنا و نیت انسان (یا انسان‌ها) قابل فهم نیستند، زیرا معنا عامل اصلی تولید اثرات فردی و جمعی است.

در جامعه‌شناسی دین، استارک و فینک (Stark & Finke, 2000, pp. 35-39) نشان دادند که مفاهیم دینی نه تنها در سطح فردی، بلکه به عنوان منابع معنا، کنش‌های جمعی و نهادی را شکل می‌دهند و پیامدهای اجتماعی طولانی مدت به بار می‌آورند.

در قرآن، کنش انسانی در منظومه‌ای از معنا و سنت الهی تحلیل می‌شود. مفاهیم عمل صالح و سوء عمل نه تنها به رفتار بیرونی، بلکه به نیت و ساختار ارزشمند آن متصل هستند. آیات متعدد پیامدهای کنش‌ها را در سطوح فردی، اجتماعی و تاریخی بیان می‌کنند (بقره: ۱۱۷-۱۱۸، نساء: ۹۸-۹۹). بنابراین، معنا در کنش انسانی، شبکه‌ای از ارزش‌ها و هدف‌هاست که رفتار را هدایت و پیامدهای اجتماعی و اخروی آن را تعیین می‌کند (ایازی، ۱۳۹۶، صص. ۱۲-۱۵، ناصرمنش و همکاران، ۱۴۰۱، صص. ۱۳۰-۱۳۵).

۲-۲- فرآیند اجتماعی و سطوح پیامدها

اگر کنش انسانی معنادار نقطه آغاز باشد، فرآیند اجتماعی، پی‌ریزی این معنا در سطوح اجتماعی است. در ادبیات جامعه‌شناسی، پیامدهای اجتماعی باید در سطوح مختلف تحلیل شوند: سطح خرد شامل رفتار و معنای فردی، سطح میانه شامل نهادها و شبکه‌های اجتماعی، و سطح کلان شامل ساختارهای نهادی، فرهنگ و تاریخ اجتماعی (Parker, 2010, pp. 22-26).

این زنجیره انتقال معنا از خرد به کلان، با مفاهیم قرآنی مانند امر به معروف و نهی از منکر، عدل و احسان و سنت‌های الهی پیوند دارد. آیات قرآن پیامدهای اجتماعی کنش‌ها را در هر سه سطح نشان می‌دهند. برای مثال، عدالت در سطح خرد با رفتار فردی آغاز می‌شود، در سطح میانه به نهاد عدالت می‌رسد و در سطح کلان، ساختارهای تمدنی و سیاسی عادلانه را شکل می‌دهد (نساء: ۵۸، ۹۵، اسراء: ۱۵، تفسیر المیزان، ج. ۱۲، صص. ۱۹۸-۲۰۴). این نگاه، پیامدها را هم به عنوان نتایج فرآیندی و شبکه‌ای و هم به عنوان اثرات دنیوی و اخروی تحلیل می‌کند.

۳-۲- ساختارهای اجتماعی و نهادهای واسطه

عنصر سوم چارچوب نظری، ساختارها و نهادهایی است که پیامدها را میان سطوح خرد و کلان واسطه‌گری می‌کند. گیدنز (Giddens, 1984, pp. 25-28) نشان داده که ساختار اجتماعی نه صرفاً زمینه‌ای بی‌حرکت، بلکه محصول کنش‌های بازتولیدی است و پیامدهای اجتماعی را تثبیت و فراتر از سطح فردی می‌برد. در قرآن نیز نهادهای اجتماعی مانند خانواده، شورا، قضا و حکومت، نقش واسطه‌ها را در تنظیم پیامدهای کنش‌های فردی ایفا می‌کنند (انبیاء: ۱۰۴، آل عمران: ۱۱۰). این نهادها پیامدها را تثبیت کرده و همزمان آن‌ها را با ارزش‌ها و سنت‌های الهی همسو می‌کنند، تا کنش‌ها پیامدهای دنیوی و اخروی قابل پیش‌بینی داشته باشند.

۴-۲- مبانی و مفروضات گفتگوی معرفت‌شناختی

تصریح به این نکته روش‌شناختی ضروری است که هرگونه بهره‌گیری از مفاهیم و نظریه‌های جامعه‌شناختی برای تحلیل نظام معنایی قرآن، پیش از هر چیز نیازمند تصریح مبانی و مفروضات معرفتی دو ساحت گفت‌وگوست. جهان‌بینی دینی و پارادایم‌های مسلط بر جامعه‌شناسی، در سه ساحت بنیادین هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و غایت‌شناسی تمایزاتی ریشه‌ای دارند. علوم اجتماعی مدرن، به‌ویژه در جریان مسلط خود از دورکیم تا وبر و گیدنز، بر هستی‌شناسی این‌جهانی (immanent) و انسان‌محور (anthropocentric) استوار شده‌اند که عمدتاً متافیزیک و غیب را از قلمرو تبیین علمی کنار می‌نهد (Zaidi, 2007, 45-52; Weber, 1978, 22-24). در مقابل، جهان‌بینی قرآنی بر هستی‌شناسی توحیدی و غیب‌باور (غیب و شهادت) و معرفت‌شناسی وحیانی-عقلانی مبتنی است که سنت‌های الهی را در متن جامعه و تاریخ جاری می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۲۵-۳۰، Makniyah, 2019, 273). این تمایز به معنای نفی امکان گفت‌وگو نیست، بلکه شرط تحقق گفت‌وگوی آگاهانه میان دو دستگاه معرفتی است، گفت‌وگویی که هم‌زمان بر تمایز مبانی و هم‌سخنی در مسئله پای می‌فشارد (Obiedat, 2022, 8-12).

همچنین کاربرد نظریه‌های جامعه‌شناسی در این نوشتار، از نوع توسعه نظریه با بهره‌گیری از منطق گفت‌وگوست، نه تحمیل نظریه بر متن یا فروکاستن آیات به مفاهیم پیش‌ساخته. منطق گفت‌وگو، برخلاف رویکردهای تقلیلی و انطباق‌گرایانه، می‌کوشد بدون نادیده گرفتن تمایزهای معرفتی، پرسش‌های مشترک درباره کنش، نظم، پیامد و تغییر اجتماعی را در دو ساحت به‌پرسش بگذارد و ظرفیت‌های پاسخ‌گویی متن دینی را آشکار سازد (Zaidi, 2007, 298-302). از این‌رو، مفاهیمی چون «سرمایه اجتماعی»، «اعتماد»، «انسجام» و «شبکه» که در این مقله به‌کار رفته‌اند، قرئت قرآنی خود را دارند و صرفاً برای تقریب به ذهن مخاطب و ایجاد زبان مشترک تحلیلی به‌کار گرفته شده‌اند. این مفاهیم در چارچوب اعتباریات اجتماعی از منظر علاقه طباطبایی،

مفاهیم نیمه واقعی (اعتباری مبتنی بر واقع) هستند که برای سامان‌دهی حیات جمعی اعتبار می‌شوند و می‌توانند در هندسه معرفتی قرآن، با «حد و حکم» ویژه خود، معنایی متمایز اما مرتبط با کاربرد رایج خود بیابند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۲۸۶-۲۸۸، Farhana, 2025, 31-35). بدین‌سان، نوشته و تحلیل‌های پیش‌رو نه در پی تفسیر جامعه‌شناختی قرآن، که در پی «امکان نظریه‌پردازی اجتماعی قرآنی» با بهره‌گیری نقادانه از زبان تحلیلی علوم اجتماعی است.

با توجه به مبانی و مفروضات یادشده دستگاه مفهومی مدنظر این مقاله، سه‌بعدی و میان‌رشته‌ای است که:

۱. کنش انسانی را به مثابه کنشی معنادار (Meaningful Action) می‌بیند، اما معنایی که در جهان‌بینی قرآنی، شبکه‌ای از ارزش‌های توحیدی، نیت اخروی و سنت الهی را دربرمی‌گیرد و صرفاً به قصد ذهنی این جهانی فروکاسته نمی‌شود.

۲. پیامدها را در زنجیره‌ای چندسطحی (micro → meso → macro) تحلیل می‌کند، با این تأکید که این سطوح افزون بر پیوندهای علیّی افقی، به‌طور هم‌زمان به افق عمودی اخروی متصل‌اند و سنت‌های الهی، حلقه پیونددهنده این سطوح با سرنوشت نهایی جوامع به‌شمار می‌روند.

۳. نقش ساختارها و نهادها را در واسطه‌گری و تثبیت پیامدها می‌گنجاند، نهادهایی که در قرائت قرآنی، افزون بر کارکرد اجتماعی، حامل مسئولیت اخلاقی و زمینه‌ساز تحقق «حیات طیبه» در سطوح جمعی‌اند.

در واقع این چارچوب، با بهره‌گیری نقادانه از زبان تحلیلی جامعه‌شناسی و پرهیز از تحمیل نظریه بر متن، می‌کوشد امکان نظریه‌پردازی اجتماعی مبتنی بر سنت و حیانی قرآن را در موضوع پیامدهای کنش فراهم آورد. به عبارت دیگر، مدل پیشنهادی می‌تواند هم تحلیل خرد و رفتار فردی، هم تعاملات نهادی و هم تغییرات تاریخی و تمدنی را با تأکید بر افق معنوی، اخلاقی و اخروی کنش‌ها در یک سامانه پویا و چندسطحی بررسی کند. بدین‌سان، مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی، اعتماد و انسجام در این دستگاه، قرائت قرآنی خود را می‌یابند و از تقلیل آنها به سازه‌های صرفاً تجربی و این‌جهانی رها می‌شوند.

۳- تحلیل چندسطحی پیامدهای کنش‌های انسانی و اجتماعی در قرآن

در این بخش، یافته‌ها به صورت تحلیلی و نظام‌مند عرضه می‌شود تا نشان دهد قرآن چگونه میان کنش‌های معنادار انسانی و پیامدهای آنها در سطوح مختلف حیات اجتماعی پیوند برقرار می‌کند. تمرکز این تحلیل بر آن است که پیامدها نه به صورت پراکنده، بلکه در قالب یک زنجیره علیّی و فرآیندی از سطح خرد رفتارهای فردی آغاز شده، در سطح میانه در قالب روابط، نهادها و شبکه‌های اجتماعی تثبیت می‌شود و در نهایت در سطح کلان به سرنوشت تاریخی و تمدنی جوامع پیوند می‌خورد. در عین حال، افق این پیامدها محدود به حیات دنیوی

نیست و قرآن پیوسته نتایج کنش‌ها را در پیوند با حیات اخروی نیز ترسیم می‌کند. از این رو، این بخش می‌کوشد مدل چندسطحی استخراج‌شده را به صورت گام‌به‌گام و مبتنی بر شواهد قرآنی و تحلیل جامعه‌شناختی تبیین کند.

۱-۳- پیامدهای سطح خرد

در سطح خرد، پیامدهای کنش اجتماعی از منظر جامعه‌شناختی نه به عنوان نتایج بیرونی ساده، بلکه به مثابه آثاری فهم می‌شوند که در بستر معانی، انگیزه‌ها و چارچوب‌های ارزشی کنش‌گر شکل می‌گیرند. وبر تصریح می‌کند که تحلیل پیامد کنش بدون فهم جهت‌گیری معنایی آن ممکن نیست، زیرا کنش اجتماعی هنگامی موضوع تحلیل جامعه‌شناختی می‌شود که حامل معنا برای کنش‌گر و معطوف به دیگران باشد (Weber, 1978, p. 4). در این معنا، پیامدهای سطح خرد شامل تغییر در نگرش‌ها، الگوهای ادراک، اعتماد اجتماعی، احساس مسئولیت و شکل‌گیری گرایش‌های رفتاری پایدار است که از دل کنش‌های معنادار پدید می‌آیند. پژوهش‌های جامعه‌شناسی دین نیز نشان داده‌اند که نظام‌های اعتقادی و ارزشی می‌توانند پیامدهای روانی و رفتاری عمیقی در سطح فردی ایجاد کنند که به تدریج قابلیت تعمیم اجتماعی می‌یابند. استارک و فینک نشان می‌دهند که باورهای دینی از طریق ایجاد چارچوب‌های معنایی، تصمیم‌های فردی را هدایت کرده و پیامدهایی چون خودکنترلی، تعهد اخلاقی و سرمایه اجتماعی را در سطح خرد تقویت می‌کنند (Stark & Finke, 2000, pp. 35-39).

از منظر نظریه ساخت‌یابی (Structuration Theory)، گیدنز نیز تأکید می‌کند که کنش‌های روزمره افراد، هرچند در مقیاس خرد رخ می‌دهند، اما در بازتولید الگوهای پایدار رفتاری و شناختی نقش دارند و از این طریق پیامدهایی فراتر از لحظه کنش ایجاد می‌کنند (Giddens, 1984, pp. 25-28). بنابراین، پیامدهای سطح خرد را می‌توان در تغییرات تدریجی در شخصیت اجتماعی افراد، شکل‌گیری عادت‌واره‌ها، و تثبیت الگوهای معنا و رفتار دانست که بعدها به سطوح میانه و کلان منتقل می‌شوند. در این چارچوب، سطح خرد نقطه آغاز زنجیره پیامدهای اجتماعی است، جایی که معنا، انگیزه و کنش فردی به پیامدهایی تبدیل می‌شود که ابتدا در درون کنش‌گر تثبیت و سپس ظرفیت سرریز به عرصه‌های گسترده‌تر اجتماعی را پیدا می‌کند.

در قرآن، یکی از آشکارترین قالب‌ها برای بیان پیامدهای خرد، آیاتی است که ترکیب «آمنوا و عملوا الصالحات» را به کار می‌برند، عبارتی که بارها در متن قرآن تکرار شده و نشان‌دهنده پیوندی مستقیم میان ایمان و عمل صالح و پیامدهای فردی آن است. قرآن در آیه ۹ سوره مائده می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ»؛ «خداوند، به آنها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده

آمزش و پاداش بزرگی داده است». این آیه یک پدیده شخصی را ترسیم می‌کند که پیامد مستقیم آن مغفرت و کسب پاداش عظیم است، نه صرفاً یک پدیده اجتماعی. بنابراین، پیامدهای خرد شامل وعده‌های الهی نسبت به وضعیت روحی و روانی فرد، و نیز وعده‌های پاداش اخروی است، که قرآن بارها آن را به باور و عمل صالح نسبت می‌دهد. این ارتباط میان باور، عمل و پیامد، یک منطق علی درون قرآنی را مشخص می‌کند که از تحلیل‌های تجربی جامعه‌شناسی متمایز است: نه پیامد صرفاً نتیجه مادی یا رفتاری است و نه معنویت به منزله یک اثر جانبی جدا افتاده، بلکه این پیامدها به شکل یک زنجیره تجربه زیسته فردی قابل درک است. برای نمونه، قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّثِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/۹۷)؛ «هر مرد یا زن مؤمنی که عمل صالح انجام دهد، زندگی پاکیزه‌ای به او عطا خواهیم کرد». این آیه، پیامد دنیوی کیفی عمل صالح را نیز در کنار پیامد اخروی بیان می‌کند و نشان‌دهنده آن است که پیامدهای خرد، در سطح تجربه شخصی، هم روانی / معنوی و هم کیفی در زندگی روزمره قابل مشاهده‌اند.

همه مفسرین قرآن نیز، تأکید بر این دارند که «ایمان بدون عمل صالح» ناقص است و عمل بدون ایمان نیز جایی در نظام قرآنی پیامدها ندارد. در بسیاری از آیات، خداوند اشاره می‌کند که تنها اعمال همراه با ایمان پذیرفته می‌شود و پیامدهای مثبت از آن حاصل می‌شود، مثلاً در آیه ۸۲ سوره بقره آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». خلود در بهشت بخشی از پیامدهای خرد عمل صالح محسوب می‌شود، زیرا در سطح فردی باور به زندگی پس از مرگ و پیامدهای آن، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های کنش فردی است که پیامدهای ساختاری رفتار را تغییر می‌دهد.

قرآن همچنین سنت الهی ضایع نکردن پاداش نیکوکاران را در آیات مکرر مطرح می‌کند. به عنوان نمونه آیه ۱۱۵ سوره هود می‌فرماید: «وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» این نوع از آیات به شکل ضمنی نشان می‌دهند که پیامدهای فردی کنش‌های خیر، فراتر از تصور ذهنی کنش‌گر است و در حوزه الهی نیز پاداش داده می‌شود. این نوع نگاه به پیامدهای خرد، با رویکردهای جامعه‌شناختی که پیامدها را عمدتاً در ساختارهای اجتماعی و نهادی دنبال می‌کنند (مثل سرمایه اجتماعی یا نظم اجتماعی) متفاوت است و به عمق معنایی پیامدهای فردی می‌پردازد، چیزی که در تحلیل جامعه‌شناسی مدرن کمتر مورد توجه قرار گرفته است چرا که تمرکز آنها غالباً بر پیامدهای اجتماعی و ساختاری است (Stark & Finke, 2000, p. 40).

با این حال، پیامدهای خرد در قرآن صرفاً به پاداش‌های معنوی و وضعیت پس از مرگ ختم نمی‌شود. قرآن به‌طور مستقیم ارتباط میان رفتار و تجربه فردی در این دنیا را نیز ترسیم می‌کند، چنان‌که می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلُمًا وَلَا هَضْمًا» (طه/۱۱۲). مضمون این آیات به معنای تجربه روانی ثبات،

اطمینان و آرامش در زندگی روزمره است، پیامدی که با یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی مبنی بر اینکه باورها و ارزش‌های معنوی به ایجاد تاب‌آوری روانی و سلامت فردی کمک کنند نیز تطابق دارد.

به این ترتیب، در چارچوب سطح خرد، پیامدهای کنش انسانی در قرآن در چند دسته قابل تمایز است:

۱. وعده‌های اخروی و جاودان، مانند بهشت برای مؤمنان عمل‌کننده به صالحات.

۲. پیامدهای دنیوی کیفی فردی، مانند «حیات طیبه» در دنیا.

۳. آرامش روانی و امنیت در مواجهه با سختی‌ها، مانند عدم هراس از ظلم.

۴. سنت الهی تثبیت پاداش‌ها و عدم تباه شدن آنها.

این سلسله پیامدها حاکی از آن است که نظام پیامدهای خرد در قرآن، نه فقط پاداشی پس از مرگ را مدنظر دارد، بلکه پیامدهای زندگی فردی در همین دنیا را نیز جزء نظام پیامدها قرار می‌دهد. چنین رویکردی، اگرچه با نظریه‌های جامعه‌شناختی قابل تلفیق است، اما وجود یک منطق معنایی و هنجاری درون متن دینی را نیز آشکار می‌کند که از تحلیل‌های صرفاً اجتماعی بیرونی متمایز است. بنابراین، تحلیل پیامدهای خرد در منطق قرآن نشان می‌دهد چگونه این پیامدها می‌توانند مسیر تحلیل‌های سطوح میانه و کلان را شکل دهند، زیرا انسان با تجربه فردی تحول‌یافته وارد عرصه‌های اجتماعی و نهادی می‌شود و پیامدهای خرد، زمینه‌ساز پیامدهای اجتماعی و ساختاری در سطوح بالاتر هستند.

۲-۳- پیامدهای سطح میانه

پیامدهای سطح خرد، گرچه بنیادین و معنادارند، اما تنها آغاز فهم پیامدهای کنش‌های انسانی و اجتماعی‌اند. سطح میانه شامل تحولات گروهی و نهادی است که پیامدهای خرد را وارد ساختارهای اجتماعی می‌کند و زمینه‌ساز پیامدهای کلان می‌گردد. این سطح دقیقاً جایی است که یک رویکرد میان‌رشته‌ای قرآن و جامعه‌شناسی، می‌تواند یک تحلیل نظری منسجم و کاربردی ارائه دهد.

نظریه‌های جامعه‌شناسی بر این نکته تأکید می‌کنند که پیامدهای کنش فردی وقتی به سطح گروهی و نهادی تبدیل می‌شوند که ساختارهای اجتماعی جهت‌ده و تثبیت‌کننده آن‌ها باشند. گیدنز، با تأکید بر این که ساختارها هم زمینه و هم نتیجه کنش هستند، نشان می‌دهد که پیامدها در سطح نهادها بازتولید می‌شوند و هنجارها و قواعدی را ایجاد می‌کنند که خود کنش بعدی را شکل می‌دهند (Giddens, 1984, pp. 25-28). منطق تبدیل معنا به نهاد و ساختار به ما کمک می‌کند نوعی تحلیل فرآیندی از پیامدهای سطح میانه ارائه کنیم که چگونه پیامد خرد منجر به نتایج ساختاری و نهادی می‌شوند.

در قرآن نیز پیامدهای اجتماعی در سطح میانه، به وضوح از طریق آیات اجتماعی بازنمایی می‌شوند. قرآن، جامعه را نه صرفاً تجمع افراد، بلکه یک نهاد اجتماعی و فرهنگی دارای ساختارها و سنن الهی تعریف می‌کند که پیامدهای کنش‌ها را در قالب همبستگی، تعاون، عدالت، و قسط تثبیت می‌کند. آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ «به ريسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید». مفهوم اعتصام به حبل الله و عدم تفرقه در این آیه به وضوح نشان می‌دهد که پیامدهای جمعی کنش‌ها در یک جامعه ایمانی، مستلزم تولید و تقویت ساختارهای نهادی انسجام‌بخش است. این آیه بیانگر ضرورت پیوند اجتماعی و نظم نهادی است که پیامد عمل فردی در سطح جامعه را تثبیت می‌کند.

برخی تفاسیر نیز همین فهم نهادی را حمایت می‌کنند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید که آیاتی از این دست، حکمت اجتماعی و نظم جامعه ایمانی را هدف قرار داده‌اند، یعنی قرآن دریافت پیامد کنش را نه صرفاً در سطح روانی توصیه‌ای، بلکه به عنوان پایه‌های ساختاری تعاون و همبستگی اجتماعی در نظر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص. ۳۷۲ تا ۳۷۸) این بینش، خولندن و فهم آیات قرآن را از منظر فردی خالص به چشم‌انداز نهادی و جمعی پیامدها سوق می‌دهد.

یک مؤلفه کلیدی دیگر پیامدهای میانه این است که کنش‌های خرد جمع می‌شوند و در قالب یک نهاد اجتماعی بازتولید می‌شوند. این بازتولید می‌تواند در شکل نهادهای رسمی (مانند شورا، قضاء، حکومت) یا نهادهای غیررسمی (همبستگی گروهی، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی) رخ دهد. در علوم اجتماعی، مفهوم سرمایه اجتماعی به شبکه‌های اعتماد و همکاری گفته می‌شود که عملکرد گروه‌ها را افزایش می‌دهد و به انسجام اجتماعی کمک می‌کند (Putnam, 2000). قرآن نیز قواعد و ارزش‌های مشخصی ارائه می‌دهد که می‌تواند به تولید سرمایه اجتماعی ایمانی بیانجامد، برای نمونه، آیاتی مانند آیه ۶۶ سوره انفال که می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» «و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می‌شوید، و قدرت و شوکتان از میان می‌رود، و شکیبایی ورزید، زیرا خدا با شکیبایان است». این آیه که توجه به پیروی جمعی و اجتناب از تفرقه را پیامد عملی نوع روابط اجتماعی مومنان می‌داند، می‌تواند به عنوان الگوی تولید اعتماد، همکاری و انسجام اجتماعی تفسیر شود.

بر اساس برخی پژوهش‌های اجتماعی که در متون دینی انجام شده است، آموزه‌های قرآنی درباره عدالت، همبستگی و همکاری می‌تواند رفتارهای گروهی و پیامدهای سازمانی را تقویت کند. مثلاً پژوهش‌هایی که به نقش پیام‌های اخلاقی در قرآن در رفتار اجتماعی جامعه تأکید دارند، نشان داده‌اند که ارزش‌هایی چون عدالت،

صبر، مهربانی، و همکاری اجتماعی می‌توانند به رفتارهای همبستگی، مشارکت اجتماعی، و کاهش خصومت و انزوا کمک کنند (Ahmed, 2019, pp. 58-66; Saroglou, 2011, pp. 1324-1328).

از منظر قرآن، پیامدهای اجتماعی در سطح میانه نیز با عدالت و برابری اجتماعی مرتبطند. آیات زیادی مانند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ»؛ «به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد» (نحل / ۹۰) به این نکته اشاره دارند که عدالت اجتماعی یکی از پیامدهای کنش اجتماعی صحیح است و این عدالت باید نهادی شود تا پیامدهای ساختاری پایداری داشته باشد.

علاوه بر نهادهای رسمی، پیامدهای میانه در سطح شبکه‌های اجتماعی نیز قابل مشاهده‌اند. سرمایه اجتماعی، اعم از اعتماد متقابل، هنجارهای مشترک و شبکه‌های ارتباطی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای میانه کنش‌های فردی در قرآن است. مفاهیمی چون اعتماد، تعاون، همدلی و همبستگی می‌توانند از دل آیات و روایات اجتماعی بیرون آیند و نقش مهمی در تولید یا تضعیف سرمایه اجتماعی داشته باشند. برای مثال، آیه «انما الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات / ۱۰) به وضوح پیامد شبکه‌ای کنش‌های مسلمانان را در قالب برادری مطرح می‌کند، این برادری صرفاً مفهوم فردی نیست، بلکه مجموعه‌ای از ارتباطات، اعتماد و تکلیف متقابل را نمایان می‌سازد که پیامدهای اجتماعی قابل ملاحظه‌ای دارد. علامه طباطبایی در ذیل این آیه با تأکید بر اخوت ایمانی، آن را علاوه بر یک رابطه عاطفی فردی به عنوان نوعی هیئت اجتماعی و رابطه حقوقی معرفی می‌کند که لوازمی چون تعاون، تناسرو تراحم را به دنبال دارد. ایشان بر این باور است که این اخوت، «نظام اجتماعی امت اسلامی» را شکل می‌دهد و اعتماد متقابل و مسئولیت‌پذیری جمعی از پیامدهای ساختاری آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۱۶) در واقع این برادری، زمینه‌ساز اعتماد اجتماعی، همکاری مشترک، و فرهنگ پاسخ‌گویی متقابل است و از این منظر یک بنیاد مهم سرمایه اجتماعی ایمانی به شمار می‌آید.

شبکه‌هایی با چنین سرمایه‌ای در شرایط بحران می‌توانند پیامدهای جمعی مثبت همچون انسجام و پایداری اجتماعی ایجاد کنند، و در مقابل، فقدان آن‌ها می‌تواند منجر به انحلال اجتماعی، کاهش اعتماد و افزایش تنش شود. این همان نکته‌ای است که قرآن نیز در آیات مربوط به تفرقه و تشتت تأکید می‌کند. تفرقه میان افراد و گروه‌ها در موضوعات مختلف می‌تواند پیامدهای بسیار مخربی در سطح میانه برای جامعه مومنان داشته باشد که قرآن کریم در آیات مختلف همچون سوره آل عمران آیه ۱۰۳ و آیه ۴۶ سوره انفال هشدار داده است و می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ «فرمانبری کنید خدا و فرستاده اش را و نزاع نکنید که سست شوید، و در نتیجه نیرویتان تحلیل رود و خویشتن داری کنید که خدا با خویشتن داران است».

نکته مهمی که اشاره به آن ضروری است پیوند میان سطوح خرد و میانه در بازتولید پیامدهاست. در واقع پیامدهای سطح میانه به نوعی بازتولید پیامدهای خرد در سطح گروهی و نهادی هستند، اما از طریق شبکه‌هایی شکل می‌گیرند که قاعده‌مند و ارزش‌مند شده‌اند. به بیان دیگر، پیامدهای خرد مانند آرامش، عدالت فردی، ارزش‌های اخلاقی و معنویت، در سطح میانه وارد ساختارهای اجتماعی قابل مشاهده و نهادی می‌شوند که می‌توانند پیامدهای گسترده‌تری را در جامعه ایجاد کنند. این بازتولید، فرآیندی تاریخی و ساختاری است که پیامدهای خرد را به سطح نهادی رسانده و آن را در شبکه‌های اجتماعی و نهادهای حقوقی تثبیت می‌کند. قرآن خود بر این نکته تأکید دارد که پیامد کنش‌ها در سطح جمعی و نهادی باید با عدالت، تعاون و انسجام اجتماعی همراه باشد تا پیامد خرد بتواند به پیامد میانه و سپس کلان تبدیل شود.

۳-۳- پیامدهای سطح کلان

در منظر جامعه‌شناختی، پیامدهای کلان بر ساختارهای گسترده اجتماعی، فرهنگ و نظم نهادی جامعه تأثیر می‌گذارند و در بلندمدت سرنوشت تاریخی جوامع را شکل می‌دهند. نظریه‌های کلان مانند ساختارگرایی اجتماعی و نظریه‌های انتقادی نشان می‌دهند که الگوهای رفتاری جمعی، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌ها در طول زمان به فرهنگ و نهادهای اجتماعی تثبیت شده تبدیل می‌شوند که خود پیامدهایی مستقل از دو سطح خرد و میانه دارند (Giddens, 1984, pp. 42-45).

در قرآن کریم نیز پیامدهای کنش‌های جمعی در مقیاس کلان در قالب سنت‌های الهی تاریخی بازتاب یافته‌اند. در آیات متعدد، موارد متعددی از تاریخ امت‌ها و جوامع پیشین به عنوان نمونه‌هایی از پیامدهای اجتماعی گسترده بیان شده است. برای نمونه، قرآن مجید در آیه ۹۶ سوره اعراف می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ «یعنی اگر اهل هر شهری ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، ما برکات آسمان و زمین را برای آنها می‌گشودیم». این آیه نه فقط به وعده‌ای فردی اشاره دارد، بلکه به قانونمندی جمعی و تمدنی ایمان و تقوا (سطح خرد) اشاره می‌کند که پیامدهای گسترده‌تری چون برکت، فراوانی و شکوفایی اجتماعی ایجاد می‌کند، مفهومی که قرآن به صراحت در سطح کلان مطرح می‌سازد. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۹۶ سوره اعراف با تأکید بر سنت الهی و قانونمندی اجتماعی حاکم بر جوامع، این آیه را ناظر به پیامدهای جمعی و تمدنی ایمان و تقوا می‌داند، نه صرفاً وعده‌ای فردی. ایشان با تفسیر «برکات» به «هر خیر کثیر و پایدار» شامل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد، معتقد است که شرط نزول این برکات، ایمان و تقوای جمعی است، زیرا ایمان معدودی در برابر کفر و فسق عمومی کارساز نیست و تا اکثریت جامعه به سوی ایمان و تقوا گرایش نیابند، برکات الهی به صورت فراگیر جاری نمی‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که قرآن

برای جوامع انسانی سنت‌های تاریخی و قوانین اجتماعی قائل است که بر اساس کنش‌های جمعی، سرنوشت تمدن‌ها را رقم می‌زند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۸، ص. ۲۰۱-۲۰۲، ۲۵۴). این تحلیل، پیامدهای اجتماعی را در سطحی گسترده‌تر از رفتار فردی یا گروهی می‌نشانند و آن را در قالب جهت‌گیری تمدنی می‌بیند.

همچنین سطح کلان پیامدها شامل تحولات در هویت جمعی، فرهنگ اجتماعی و قواعد فرهنگی گسترده می‌شود. در جامعه‌شناسی، جایگاه دین به عنوان منبع معنا و هویت بخشی، یکی از بخش‌های مرکزی تحلیل‌های جامع تلقی می‌شود (Berger & Luckmann, 1966). هویت جمعی وقتی در متن ارزش‌های دینی شکل می‌گیرد که پیامدهای اجتماعی در سطح کلان تثبیت شود، و این همان نکته‌ای است که قرآن بارها به آن اشاره کرده است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛ «یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است» (آل عمران: ۹۶). این آیه نشان می‌دهد که هویت جمعی مسلمانان باید بر اساس ارزش‌های متعالی مشترک شکل گیرد تا پیامدهای کلان چون وحدت تمدنی و انسجام فرهنگی را به بار آورد. درواقع شکل‌گیری هویت جمعی یکی از پیامدهای کلان کنش اجتماعی است که می‌تواند منجر به پیدایی تمدن، نظم فرهنگی و انسجام اجتماعی گسترده شود. رسولیان و افشار (۱۳۹۸) در بررسی سرمایه اجتماعی از قرآن به همین نکته اشاره کرده‌اند که پیامدهای ساختارهای فرهنگی و هویتی در گسترش یا تضعیف سرمایه اجتماعی تأثیری عمیق دارد و این امر پیامدهای کلان اجتماعی را رقم می‌زند (حمیدی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۵-۱۵۹).

سومین بعد از ابعاد مهم پیامدهای کلان، پیامدهای ساختاری و نهادی گسترده در عرصه حکمرانی و نظم اجتماعی است. قرآن کریم بارها به قواعد عدالت اجتماعی و نظم ساختاری اشاره کرده است که فراتر از قوانین فردی عمل می‌کند و به ساختارهای حکمرانی جامعه مربوط می‌شود. برای مثال، در آیه معروفی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» (نحل: ۹۰) که این آیه در کنار توصیه اخلاقی فردی، قاعده‌ای ساختاری برای نظم اجتماعی و عدالت در سطح کلان محسوب می‌شود. علامه طباطبایی در ذیل این آیه با تمایز قائل شدن میان عدالت فردی و عدالت اجتماعی، تصریح می‌کند که مراد از عدل در این آیه، عدالت اجتماعی است، بدین معنا که هر یک از افراد جامعه مکلف به رعایت عدالت‌اند و این تکلیف متوجه مجموعه جامعه و حکومت اسلامی نیز می‌شود. ایشان حکومت را به عنوان متولی امر جامعه، موظف به اقامه این حکم می‌داند. افزون بر این، احسان را عامل گردش ثروت، ایجاد امنیت و سلامت عمومی و تقویت محبت در جامعه معرفی می‌کند و تأکید می‌نماید که نهی از فحشاء، منکر و بغی، موجب استحکام نظام اجتماعی، تمرکز نیروها و ریشه‌کن شدن دشمنی و تفرقه می‌گردد. از منظر ایشان، این آیه صرفاً یک توصیه اخلاقی فردی نیست، بلکه قاعده‌ای ساختاری و

نهادی برای نظم اجتماعی، عدالت و حکمرانی عادلانه در سطح کلان محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۳۵۶-۳۶۲). هنگامی که نظام‌های حکمرانی بر عدالت و انصاف بنا شوند، پیامدهایی گسترده دارند از قبیل تثبیت قواعد حقوقی، ایجاد سیاست‌های عمومی عادلانه، و به تبع آن کاهش نابرابری‌های اجتماعی، تضعیف ساختارهای فساد و افزایش اعتماد عمومی. این پیامدها، برخلاف پیامدهای خرد یا میانه، در سطح کلان ساختار قدرت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سرنوشت تاریخی جوامع را شکل می‌دهند.

بعد دیگر از پیامدهای سطح کلان پیامدهای تاریخی و سرنوشت تمدنی است. قرآن در بسیاری از آیات به قصص امت‌ها و تمدن‌ها در تاریخ اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که رفتار جمعی و کنش‌های اجتماعی می‌تواند منجر به تعالی یا انحطاط تمدن‌ها شود. بررسی این آیات می‌تواند ما را به یک تحلیل کلان از پیامدها برساند، پیامدهایی که فاقد مقیاس فردی و نهادی اند، و پیامدهایی که در سرنوشت جمعی ملل و تمدن‌ها تأثیر دارند. بسیاری از مفسران بر این باورند که قرآن با نقل قصه‌های امت‌های پیشین قصد دارد نشان دهد که نگرش جمعی، ساختار اجتماعی و نظم فرهنگی جوامع نقش تعیین‌کننده‌ای در بقای تمدنی یا سقوط آن‌ها ایفا می‌کند. این سرنوشت‌های جمعی، پیامدهایی کلان‌اند که نمی‌توان آن‌ها را در سطوح خرد یا میانه تحلیل کرد، چرا که بازتاب‌دهنده الگوهای فرهنگی و اجتماعی است که نسل‌ها آن را بازتولید می‌کنند. در این مورد می‌توان به آیه ۱۱ سوره انبیاء استناد کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ»؛ «و چه بسیار اهل شهرها و آبادی‌هایی را که اهلش ستمکار بودند درهم شکستیم و پس از آن، قومی دیگر پدید آوردیم. علامه طباطبایی در ذیل این آیه واژه «قَصَمَ» را به معنای «شکستن همراه با جدا شدن قطعات» می‌داند و معتقد است این تعبیر نشان‌دهنده نابودی کامل ساختار تمدنی و فروپاشی همه‌جانبه نظام اجتماعی جامعه‌ای است که به ظلم جمعی و استمرار آن خو گرفته باشد. ایشان تأکید می‌کند که «قریه» در اینجا نه صرفاً مکان جغرافیایی، بلکه مجموعه انسانی برخوردار از نظام اجتماعی، فرهنگی و تمدنی است و ظلم نیز شامل شرک، ترک عدالت اجتماعی و استمرار بر گناهان جمعی می‌شود. همچنین عبارت «أَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» بیانگر تداوم سنت الهی در جایگزینی تمدن‌ها و پایان‌ناپذیری تاریخ بر محور یک قوم خاص است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، صص ۲۵۶-۲۵۸). همچنین آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر این آیه، با تأکید بر سنن اجتماعی و قوانین تاریخ، «قَصَمَ قَرْيَةً» را نماد فروپاشی نظام‌های تمدنی مبتنی بر ظلم معرفی می‌کند. ایشان معتقدند قرآن با کاربرد فعل «قَصَمَ» به جای «اهلک»، به شکستن ستون فقرات تمدن اشاره دارد، یعنی نابودی ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، نه صرفاً مرگ افراد. همچنین «انشاء قوم آخر» را نشانه تداوم تاریخ و امکان بازآفرینی تمدن بر مدار عدل و توحید می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۶، صص ۲۹۰-۳۰۲). علاوه بر

این، پژوهش‌های جامعه‌شناختی نیز نشان داده‌اند که دین می‌تواند یکی از عوامل اصلی در پایداری اجتماعی و ثبات تمدنی باشد، برای نمونه، نتایج برخی تحقیقات اخیر نشان داده است که متون مقدس و قوانین دینی، نقش مهمی در شکل‌گیری و استمرار ساختارهای جامعه دارند و می‌توانند با نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی همچون ساختارگرایی و نظم اجتماعی ارتباط برقرار کنند (Farhana, 2025).

قرآن کریم ضمن تأکید بر داوری فردی انسان‌ها در قیامت، به‌صراحت از رستاخیز و داوری جمعی امت‌ها نیز سخن می‌گوید. این آموزه، پیامدهای کنش‌های جمعی و تمدنی را از محدوده تحلیل‌های صرفاً این‌جهانی خارج کرده و افق جدیدی برای ارزیابی سرنوشت جوامع می‌گشاید. به‌تعبیری دیگر اگرچه قرآن بیشتر از داوری فردی سخن می‌گوید ولی آیات متعددی وجود دارد که از رستاخیز جوامع متمایز سخن می‌گوید که بر اساس «کتاب خودشان» داوری می‌شوند، همچنین در چندین موضع از «مرگ جوامع» یاد می‌کند که هر یک آجل معینی دارند. در این خصوص خداوند می‌فرماید: «كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا» (جاثیه: ۲۸). علاوه طباطبایی در ذیل این آیه تصریح می‌کند که کتاب در اینجا نه نامه اعمال فردی، بلکه لوح قضایی ویژه هر امت است که اعمال جمعی، سنت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی آنان در آن ثبت شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۸، صص. ۳۴۲). همچنین در آیه: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ» «آن جماعت را روزگار به سر آمد دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست و از آنچه آنان می‌کرده‌اند شما بازخواست نخواهید شد» (بقره: ۱۳۴). استقلال مسئولیت جمعی امت‌ها و عدم انتقال گناه یا پاداش جمعی به نسل‌های بعد تصریح شده است.

در صحنه قیامت، روابط جمعی امت‌ها نیز بازنمایی می‌شود: «كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا»؛ «هرگاه گروهی وارد شوند، هم مسلکان خود را لعنت کنند» (اعراف: ۳۸). این آیه نشان می‌دهد که نه تنها افراد، بلکه امت‌ها به‌عنوان هویت‌های جمعی در جهنم حضور می‌یابند و یکدیگر را لعن می‌کنند. به‌بیان چیتیک، در کتاب اندیشه اسلامی سیاست که جامعه آرمانی انسانی و ابزارهای دستیابی به آن را توصیف می‌کند، می‌تواند شاخه‌ای از معادشناسی محسوب شود، زیرا خیر دنیوی انسان فقط بر اساس خیر جاودان او قابل درک است (Chittick, 2012, 235-236).

از این منظر، تمدن‌ها و جوامع انسانی صرفاً در تاریخ دنیوی منحل نمی‌شوند، بلکه صورت جمعی آنان در جهان آخرت متناسب با باورها، نظام‌های ارزشی و کنش‌های جمعی‌شان تجسم می‌یابد. آیه «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا» (قصص: ۸۳) به‌صراحت از بهشت به‌عنوان پاداش جامعه‌ای سخن می‌گوید که اراده استکبار و فساد در زمین ندارد. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه تأکید می‌کند که نفی

اراده علو و فساد یک ویژگی جمعی و تمدنی است که به تنهایی از عهده افراد خارج بوده و نیازمند سامان اجتماعی مبتنی بر توحید و عدالت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۶، ص ۱۱۲).

از این رو، پیامدهای اخروی کنش‌های جمعی را می‌توان در سه محور تحلیل کرد:

الف) مسئولیت جمعی و کتاب امت: هر جامعه در قبال سنت‌ها، قوانین و ساختارهای اجتماعی که ایجاد کرده، در پیشگاه الهی مسئول است و «کتاب» ویژه‌ای برای داوری جمعی آنان گشوده می‌شود (جاثیه: ۲۸، اسراء: ۷۱).

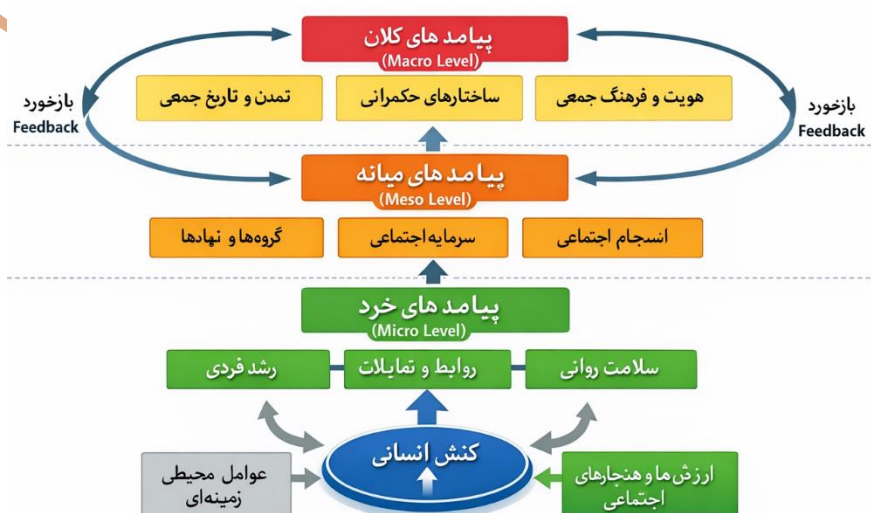
ب) تجسم هویت جمعی در آخرت: امت‌ها نه به صورت پراکنده و فردی، بلکه به عنوان «گروه‌ها» و «امت‌ها» محشور می‌شوند و پیوندهای اجتماعی مبتنی بر ایمان یا کفر در جهان دیگر نیز استمرار می‌یابد (واقعه: ۴۹-۵۰، اعراف: ۳۸).

ج) بهشت و جهنم به عنوان سرنوشت تمدنی: قرآن جامعه موعود را جامعه‌ای توصیف می‌کند که از استکبار و فساد پرهیز کرده و بهشت اخروی پاداش چنین جهت‌گیری تمدنی است (قصص: ۸۳، زحرف: ۷۰-۷۳).

بدین سان، سطح کلان پیامدها در نظام قرآنی، نه فقط به سقوط یا اعتلای تمدن‌ها در تاریخ دنیوی محدود نیست، بلکه به سرنوشت اخروی تمدن‌ها و تجسم هویت جمعی آنان در دار آخرت امتداد می‌یابد. این نگاه، تحلیل پیامدهای کنش‌های اجتماعی را از چارچوب این جهانی علوم اجتماعی خارج کرده و افق تمدنی قرآن را در پیوند وثیق با «معادشناسی جمعی» به تصویر می‌کشد.

۴-۳- ارائه مدل پیشنهادی

برای ارائه مدل تحلیلی پیامدهای چندسطحی کنش‌های انسانی و اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم، ضروری است که تمامی یافته‌های پیشین (سطوح خرد، میانه و کلان) به یک چارچوب مفهومی منسجم تبدیل شود که خواننده بتواند مسیر رابطه میان کنش‌ها و پیامدها را به صورت روشن دنبال کند. مدل پیشنهادی، یک چارچوب سیستمی چندسطحی است که نشان می‌دهد چگونه کنش‌های انسانی، از سطح فردی تا ساختارهای کلان، با واسطه ارزش‌ها و قواعد اجتماعی، پیامدهای فردی، جمعی و تمدنی ایجاد می‌کنند.



مدل تحلیلی پیامدهای کنش‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن

این مدل شامل سه سطح اصلی پیامدهاست. سطح خرد شامل رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌های فردی بر اساس ایمان، تقوا و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی. پیامدهای این سطح شامل تغییرات در رفتار شخصی، سلامت روان، کیفیت تعاملات اجتماعی و سرمایه انسانی است. سطح میانه شامل گروه‌ها، خانواده، نهادها و شبکه‌های اجتماعی که کنش‌های خرد در آن‌ها تجمع می‌شود. پیامدهای این سطح شامل انسجام اجتماعی، همبستگی گروهی، سرمایه اجتماعی و تطبیق ارزش‌ها با قواعد اجتماعی است. و سطح کلان پیامدهای تمدنی، فرهنگی و نهادی که حاصل تجمع و تثبیت کنش‌های خرد و میانه است. پیامدهایی همچون شکل‌گیری تمدن، انسجام فرهنگی، ساختارهای حکمرانی و سرنوشت تاریخی جوامع.

در این مدل کنش انسانی در هسته مدل است و شامل رفتارها، انتخاب‌ها و واکنش‌های فردی است که توسط ایمان، اخلاق، تقوا و دانش هدایت می‌شود. ارزش‌ها و قواعد اجتماعی حلقه واسطی است که کنش‌ها را به پیامدهای اجتماعی متصل می‌کند. ارزش‌های اخلاقی و دینی، از جمله عدالت، احسان و تقوا، نه تنها رفتار فردی را هدایت می‌کنند، بلکه پیامدهای جمعی و نهادی را نیز شکل می‌دهند.

پیامدهای چندسطحی (Multilevel Outcomes) شامل پیامدهای خرد، میانه و کلان است. پیامدهای خرد، فردی و روانی‌اند، پیامدهای میانه، جمعی و نهادی، پیامدهای کلان، تمدنی و تاریخی. بازخورد و تعامل میان سطوح مدل نشان می‌دهد که پیامدها خود بر کنش‌های آینده و ارزش‌ها تأثیر می‌گذارند. برای نمونه، انسجام اجتماعی (سطح میانه) باعث افزایش سرمایه انسانی و ارتقای کنش‌های خرد می‌شود، و ثبات تمدنی (سطح کلان) زمینه رشد فرهنگ و هویت جمعی را فراهم می‌آورد (Giddens, 1984, pp.54-57). عوامل محیطی و زمینه‌ای شامل شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی است که ممکن است بر کنش‌ها و پیامدها تأثیرگذار باشد. قرآن نیز با ذکر قصه‌ها، نقش شرایط تاریخی و محیطی را در تعیین پیامدها روشن می‌سازد. مدل پیشنهادی شامل چهار فرآیند اصلی است که جریان کنش‌ها تا پیامدهای کلان را توضیح می‌دهد. اول هدایت کنش‌ها از طریق ارزش‌ها و هنجارهاست یعنی کنش‌های خرد انسان بر اساس ایمان، اخلاق و تقوا هدایت می‌شوند. این فرآیند، پایه شکل‌گیری رفتارهای سازنده فردی است. دوم تجمع کنش‌ها در سطح گروه و نهاد است. کنش‌های خرد در خانواده، گروه‌های اجتماعی و نهادها تجمع می‌شوند و پیامدهای میانه ایجاد می‌کنند. انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی از جمله پیامدهای این سطح هستند. سوم تثبیت پیامدها در سطح

کلان به این معنی که پیامدهای میانه و خرد در طول زمان، ساختارها و قواعد فرهنگی و نهادی را شکل می‌دهند که پیامدهای تمدنی و تاریخی را رقم می‌زنند. برای نمونه، جوامعی که بر عدالت و همکاری جمعی تاکید دارند، تمدن پایدارتری می‌سازند (Farhana, 2025, pp. 12-16). و بالاخره فرآین چهارم بازخورد مستمر و اصلاح کنش‌هاست یعنی پیامدهای هر سطح بر سطوح دیگر اثر می‌گذارد. به عنوان مثال ثبات اجتماعی و فرهنگی کلان، کنش‌های خرد را به سمت ارزش‌های مثبت هدایت می‌کند و بر شکل‌گیری هنجارهای جدید اثرگذار است. این مدل، علاوه بر این که مسیر پیامدهای کنش‌ها را از سطح خرد تا کلان روشن می‌سازد، امکان تحلیل بهتری میان‌رشته‌ای بین موضوعات مشابه در قرآن و جامعه‌شناسی را فراهم می‌کند. از ویژگی‌های مدل ارائه شده، تعامل پویا میان سطوح مختلف است. بازخوردهای متعدد میان خرد، میانه و کلان نشان می‌دهد که کنش انسانی نه یک رخداد منفرد، بلکه فرآیندی پیوسته و شبکه‌ای از پیامدهاست که با فرهنگ، ارزش‌ها و ساختارهای نهادی در هم تنیده است. این بازخوردها امکان پیش‌بینی و طراحی مداخلات اجتماعی را فراهم می‌کنند، به طور مثال، افزایش سرمایه اجتماعی و آموزش اخلاقی در سطح خرد می‌تواند به انسجام جمعی و بهبود کارکرد نهادی در سطح میانه منجر شود و نهایتاً بر توسعه فرهنگی و سیاسی در سطح کلان اثرگذار باشد.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق بر اساس یکپارچه‌سازی برخی منابع تفسیری و جامعه‌شناسی تلاش کرده است یک چارچوب نظری و مفهومی ارائه دهد که نشان می‌دهد پیامدهای کنش‌های انسانی در قرآن، به هیچ وجه محدود به یک سطح یا یک حوزه نیست، بلکه همزمان پیامدهایی فردی، جمعی و تمدنی دارد که در تعامل با یکدیگر شکل می‌گیرند و بازخوردهای متقابل ایجاد می‌کنند.

در سطح خرد، یافته‌ها نشان می‌دهد که کنش انسانی، چه در بعد فردی و چه در بعد معنوی، تحت تأثیر انگیزه‌ها، آگاهی و ارزش‌های اخلاقی قرار دارد و پیامدهای آن در رشد شخصیت، سلامت روان و توانایی‌های فردی نمود پیدا می‌کند. این بخش از تحلیل نشان می‌دهد که سطح خرد، پایه و شالوده‌ای است برای اثرگذاری در سطوح بالاتر، زیرا فردی که رفتار و کنش او با اصول اخلاقی و ارزش‌های قرآنی همسو باشد، قابلیت مشارکت مؤثر در گروه‌ها و نهادها را دارد و می‌تواند پیامدهای مثبت در سطح میانه ایجاد کند.

سطح میانه، که به روابط میان افراد، گروه‌ها و نهادها می‌پردازد، نشان داد که انسجام جمعی و سرمایه اجتماعی مستقیماً از سطح خرد تغذیه می‌شود و در عین حال بر سطوح کلان اثرگذار است. تعاملات گروهی و نهادی، هنگامی که مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی قرآنی شکل گیرد، موجب تقویت همبستگی اجتماعی، افزایش اعتماد و کاهش رفتارهای مخرب می‌شود. تحلیل این سطح نشان داد که پیامدهای اجتماعی

کنش‌ها به هیچ وجه خطی نیستند، بلکه شبکه‌ای از بازخوردها و اثرات متقابل میان گروه‌ها و نهادها ایجاد می‌شود که می‌تواند فرآیندهای اصلاح و تغییر اجتماعی را تسریع یا کند سازد.

در سطح کلان، پیامدهای تمدنی و تاریخی کنش‌ها نمایان می‌شوند. این سطح، ابعاد جمعی و تاریخی پیامدهای کنش انسانی را ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که رفتارهای جمعی هماهنگ با ارزش‌های اخلاقی و هنجاری، می‌تواند به توسعه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پایدار منجر شود و بالعکس، رفتارهایی که از انسجام و هنجارهای اجتماعی فاصله دارند، منجر به تضعیف ساختارها و فروپاشی سرمایه اجتماعی و نهادی می‌شوند. تحلیل سطح کلان همچنین نشان می‌دهد که پیامدهای تمدنی، علاوه بر اثرگذاری مستقیم بر زندگی جامعه، بازخوردهای قدرتمندی بر سطح خرد و میانه نیز دارند و رفتار فردی و گروهی را شکل می‌دهند، که این امر اهمیت نگاه سیستماتیک و چندسطحی به کنش انسانی را برجسته می‌کند.

نوآورهای مقاله تلاش در چند جهت بوده است. اول، ارائه یک چارچوب چندسطحی است که پیامدهای کنش‌های انسانی را در سطوح خرد، میانه و کلان به صورت همزمان و در تعامل با یکدیگر تحلیل می‌کند. دوم، تلفیق منابع قرآنی و تفسیری با نظریه‌ها و مطالعات جامعه‌شناختی است که امکان گفت‌وگوی بین‌ارزش‌ها و نظریه‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد و از محدودیت رویکردهای صرفاً توصیفی یا بومی فراتر رود. سوم، مدل ارائه شده قابلیت کاربرد عملی در حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، آموزش اخلاقی و پژوهش‌های سازمانی و نهادی را دارد، زیرا نشان می‌دهد که تغییرات در سطح فردی و خرد، چگونه می‌تواند پیامدهای جمعی و کلان ایجاد کند و بالعکس، پیامدهای کلان چگونه بر رفتار فردی و جمعی اثر می‌گذارند.

این تحقیق همچنین سعی داشته است نشان دهد که تحلیل کنش‌های انسانی از دیدگاه قرآن، نه صرفاً مطالعه متون دینی، بلکه ابزاری برای تولید نظریه و ارائه بینش‌های عملی و کاربردی در علوم اجتماعی است. مدل ارائه شده، با در نظر گرفتن بازخوردها و تعاملات متقابل میان سطوح، امکان طراحی مداخلات هدفمند و مطالعه تطبیقی پیامدهای اجتماعی در سطوح مختلف را فراهم می‌کند. در نتیجه، این چارچوب می‌تواند به توسعه نظریه‌های علوم اجتماعی کمک کند و فهم دقیق‌تری از رابطه میان رفتار انسانی، ارزش‌های اخلاقی و پیامدهای اجتماعی ارائه دهد.

در نهایت، این تحقیق نشان داده که کنش انسانی، به ویژه در چارچوب متون دینی و قرآن، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که نمی‌توان پیامدهای آن را در یک سطح یا حوزه محدود تحلیل کرد. نگاه چندسطحی و نظام مند ارائه شده در این مقاله، امکان تحلیل کامل، عمیق و کاربردی پیامدهای کنش انسانی و اجتماعی را فراهم می‌کند و مسیر پژوهش‌های آینده را برای توسعه مدل‌های تحلیلی مشابه در حوزه‌های دیگر علوم اجتماعی و

مطالعات دینی روشن می‌سازد. به نوعی، این تحقیق به بازتعریف رابطه میان فرد، گروه و جامعه، و نقش دین در شکل‌دهی به فرایندهای اجتماعی کمک می‌کند و نشان می‌دهد که منابع قرآنی می‌توانند هم در تولید نظریه و هم در ارائه ابزارهای تحلیلی و عملی برای علوم اجتماعی نقش قابل توجه ایفا کنند.

منابع

- قرآن کریم
- اخلاقی، محمدحسن، و الویری، محسن. (۱۴۰۰). سازوکار تغییر اجتماعی از دیدگاه قرآن با تکیه بر سیر نزول اسلام و مطالعات اجتماعی. ۹ (۳)، ۴۵-۸۲. <https://doi.org/10.22081/jiss.2022.56976.1623>
- ایازی، سیدعلی نقی. (۱۳۹۶). تأثیر کنش‌های اجتماعی در فرایند پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآن. پژوهش‌های قرآنی، ۲۲ (۸۴)، ۸۰-۱۰۷. <https://doi.org/10.22081/jqr.2017.46597.1412>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
- حمیدی‌زاده، علی، ظفری، هادی و بابایی، گواری، سلمان. (۱۳۹۸). سرمایه اجتماعی از منظر قرآن؛ مؤلفه‌ها، عوامل، راهبردها. مجله علمی "مدیریت سرمایه اجتماعی"، ۶ (۲)، ۱۴۹-۱۶۸. [doi: 10.22059/jscm.2019.259403.1624](https://doi.org/10.22059/jscm.2019.259403.1624)
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۷). اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج. ۲). تهران: صدرا.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.
- ناصرمنش، محسن، فتحعلیانی، حامد، و حسینی، سیدحمید. (۱۴۰۱). پیش‌بینی آینده فرد و جوامع بر اساس الگوریتم اجرایی و فرآیند جریان سنت‌های الهی اجتماعی در قرآن. مطالعات اجتماعی قرآن، ۱، ۱۲۶-۱۴۶. <https://doi.org/10.22084/qss.2024.28652.1011>
- Ahmed, A. (2019). Moral values in the Qur'an and their social implications. *Journal of Islamic Thought and Civilization*, 9(1), 55–72.
- Berger, P. L., & Luckmann, T. (1966). *The social construction of reality: A treatise in the sociology of knowledge*. Anchor Books.
- Casanova, J. (1994). *Public religions in the modern world*. University of Chicago Press. <https://doi.org/10.7208/chicago/9780226190204.001.0001>
- Chittick, W. C. (2012). Eschatology in Islamic thought. In M. Rustom, A. Khalil, & K. Murata (Eds.), *In search of the lost heart: Explorations in Islamic thought* (pp. 233–256). State University of New York Press. DOI 10.1515/9781438439372
- Durkheim, É. (1912). *The elementary forms of religious life*. Free Press.
- Farhana, K. M. (2025). The origin of macro-theories in sociology: A content analysis of the Holy Quran. *Preprints*. <https://doi.org/10.20944/preprints202509.0339.v1>
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. University of California Press.

- Makniah, J.(2019). Modern Islamic civilization:A strategy of civil reconstruction through Islamic science and education. In *Proceedings of the 6th International Conference on Community Development(ICCDD 2019)*(pp. 272–275). Atlantis Press.
<https://doi.org/10.2991/iccd-19.2019.73>
- Merton, R. K.(1936). The unanticipated consequences of purposive social action. *American Sociological Review*, 1(6), 894–904. <https://doi.org/10.2307/2084615>
- Al Fozaie, M. T. (2023). Behavior, religion, and socio-economic development: A synthesized theoretical framework. *Humanities and Social Sciences Communications*, 10, 241.
<https://doi.org/10.1057/s41599-023-01702-1>
- Obiedat, A. Z.(2022). *Modernity and the ideals of Arab-Islamic and western-scientific philosophy: The worldviews of Mario Bunge and Taha Abd al-Rahman*. Palgrave Macmillan.
<https://doi.org/10.1007/978-3-030-94265-6>
- Parker, J.(2010). *Social analysis and levels of analysis*. Routledge.
- Putnam, R. D.(2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
- Saroglou, V.(2011). Believing, bonding, behaving, and belonging: The Big Four religious dimensions and cultural variation. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 42(8), 1320–1340.
<https://doi.org/10.1177/0022022111412267>.
- Shahidipak, M.(2022). Paradigm of Islamic sociology. *Sociology International Journal*, 6(3), 154–156. <https://doi.org/10.15406/sij.2022.06.00279>.
- Stark, R., & Finke, R.(2000). *Acts of faith: Explaining the human side of religion*. University of California Press.
- Weber, M.(1978). *Economy and society: An outline of interpretive sociology*(G. Roth & C. Wittich, Eds.). University of California Press.
- Zaidi, A. H.(2007). *Islam, modernity and the human sciences: Toward a dialogical approach*(Doctoral dissertation, York University). ProQuest Dissertations & Theses.
- Zain, M.(2020). Implementation of collective action based on the Qur'an: A case study from Indonesia. *Journal of Islamic Studies*, 12(1), 45–67.